



## جاخالی دادم، لعنتی نشوم!

گفت و گو با علی زکریایی

صفحه ۶



## یار بنا یا روزه

مصاحبه با چند روزه خوار در ملامع

صفحه ۶

چارتر باطمینان  
گل گاوزبان

کانال فیک فردوسی و سفر سعدی با چارتر

صفحه ۱۱



## درباره حال و هوای این روزهای بعضی ها

## آخ جون... چاه!



محمدرضا شهبازی

خدا اموات شما را هم بیمارزد، پسرخاله‌ای داشتیم که آدم عجیبی بود، البته هنوز هم هست، یعنی هنوز هم زنده است. یکی از بدبختی‌های فامیل ما دعوت کردن او به میهمانی‌ها بود. البته این بنده خدا معمولاً همه جا بدون دعوت می‌رفت و منتظر دعوت نمی‌شد. اما به هر حال اینکه این بنده خدا قرار است به میهمانی بیاید، میزبان بیچاره را به هول و ولا می‌انداخت. به محض بالا رفتن احتمال حضور او، موز از سبد میوه‌های میهمانی حذف می‌شد. پسرخاله عادت داشت تا موز می‌دید سریع یکی برمی‌داشت و می‌خورد و پوستش را می‌انداخت زمین و پایش را می‌گذاشت رویش تا لیز بخورد و نقش زمین شود! اول فکر می‌کردیم به خوردن موز علاقه دارد و حالا به عنوان یک فعالیت جنبی با پوستش این کار را می‌کند، اما کم‌کم فهمیدیم که خود موز برای او بهانه است و اصل همان پوستش است. شده بود موز را پوست می‌کند و محتویاتش را می‌انداخت دور و بعد با پوستش لیز می‌خورد و... علاقه بر موز هرگونه طناب و نخ که قابلیت آویزان شدن از آنها وجود داشت هم به انباری می‌رفت، حتی به میهمان‌ها خیر می‌دادند که مراقب باشند گوشه لباس‌شان نخ کش نشده باشد که هیچ بعید نیست پسرخاله از همان یک تکه نخ آویزان شود. میزبان بیچاره به همین‌ها هم اکتفا نمی‌کرد و برای اطمینان یک نفر را با قیچی می‌گذاشت دم در که میهمان‌ها را واریس کند و نخ‌های اضافی لباس‌شان را بچیند. چون پسرخاله تا نخ و طناب آویزانی می‌دید سریع به آن چنگ می‌زد و بعد از اینکه تالابی می‌خورد زمین، فاه قاه می‌خندید. میهمانی باید در یک جای مسطح برگزار می‌شد و گرنه پسرخاله با دیدن کوچک‌ترین ارتفاعی از آن بالا می‌رفت و بعد جوری خودش را پرتاب می‌کرد و کف زمین قل

می‌خورد که انگار از ارتفاع چند هزار متری سقوط آزاد کرده و چترش باز نشده. پسرخاله کلا زمین خوردن را دوست داشت. «سنדרوم زمین خوردگی پسندی» اسمی بود که دکترها روی بیماری پسرخاله گذاشته بودند. دکترها می‌گفتند پسرخاله از خود زمین خوردن خوشش می‌آید بنابراین تلاش برای اینکه به او بفهمانید آویزان شدن از طناب پوسیده یا پا گذاشتن روی پوست موز باعث زمین خوردن می‌شود کار بیفروده‌ای است، او می‌داند و به همین دلیل هم این کارها را می‌کند. بیماری پسرخاله به‌رغم همه تمهیداتی که میزبان‌ها می‌چینند روز به روز وخیم‌تر می‌شد. اگر طناب پوسیده‌ای گیر نمی‌آورد از لامپ آویزان می‌شد و طبیعتاً لامپ بیچاره هم نمی‌توانست وزن او را تحمل کند. اگر پله‌ای نمی‌دید یک چیزی پیدا می‌کرد و زیر پایش می‌گذاشت و از آن می‌رفت بالا و... پسرخاله حتی دیگر کاری نداشت که در میان میوه‌های میهمانی موز هست یا نه، چون خودش همیشه یک موز همراهش داشت؛ حتی وقتی موز گران شده بود و نمی‌توانست بخرد، یک پوست موز را در جیبش می‌گذاشت و به میهمانی‌های مختلف می‌برد و چند بار با همان زمین می‌خورد. این روزها برای پسرخاله روزهای سختی است. تقریباً چیزی از لگن خاصره‌اش نمانده! بیشتر استخوان‌هایش خرد شده و جایش را پلاتین گرفته. ضربات محکمی که با خوردن به زمین به سرش وارد شده نود درصد بیماری‌اش را گرفته. حتی نمی‌تواند درست و حسلی راه برود اما همچنان علاقه عجیبی به زمین خوردن دارد. خدا اموات شما را بیمارزد، البته پسرخاله هنوز زنده است...

رضا عیوضی

بررسی روزنامه‌های صبح ایران

## حالا حالاها خورشید!

مجرى: خب! به نام خدا، سلام عرض می‌کنم خدمت همه شما بینندگان عزیز برنامه حالا حالاها خورشید که ساعت ۷ صبح از خواب بلند شدید برنامه ما رو ببینید و دوباره برگردید به رختخواب‌هاتون، هار هار هار. در این برنامه طبق روال قبلی با بررسی روزنامه‌های صبح ایران می‌خواهیم آنتن زنده تلویزیون رو چند ساعتی اشغال کنیم و با هم بگیم و بخندیم.

راستی! قبل از هر چیزی خدمت‌تون بگم که بنده امروز همه روزنامه‌ها رو که بررسی می‌کردم، متوجه شدم قیمت دلار از مرز ۷ هزار و خرده‌ای تومن رد شده. برای همین تماسی با رئیس دولت گرفتم و از ایشون پرسیدم خیال‌مون بابت دلار راحت باشه؟ ایشون البته خواب بودن و اطرافیان‌شون گفتن حدود ۹ از خواب پامیشن، ولی مطمئن باشید اگر بیدار بودن، حتماً می‌گفتن که بله خیال‌تون از بابت دلار و همه چیز دیگه راحت باشه.

خب! حالا که دیگه خیال‌مون از بابت دلار راحت شده بریم سراغ بررسی روزنامه‌ها و ببینیم که نسبت به کشتار و قتل عامی که صهیونیست‌ها دیروز توی قدس راه انداختن چه واکنشی نشون دادن.

همون طور که خبر دارید دیروز چیزی در حدود ۷۰ زن و کودک و جوان فلسطینی شهید شدن و این اتفاق توی تمام دنیا تا حالا واکنش‌های زیادی رو برانگیخته.

با روزنامه آفتاب شروع می‌کنیم. این روزنامه با تیتر درشت «کشتار بی‌حد» تیتر یک خودش رو اختصاص داده به کشتار فلامینگوها در تالاب انزلی توسط شکارچیان غیرقانونی و از مسوولان محیط زیست کشورهای ۵+۱ خواسته این مساله رو به‌صورت جدی مورد پیگرد قرار بدن. تیتر دوم این روزنامه هم به پایین اومدن نرخ دلار اشاره کرده و گفته که اگر رئیسی می‌آید الان تو تحریریه روزنامه دیوار کشیده بودن.

روزنامه هفت صبح با به تیتر جذاب روی صفحه اول منتشرشده: «غرش قدس». این روزنامه در توضیح این تیتر اشاره به شنیده شدن صداهای وحشتناک از سمت قدس کرده و در ادامه مطلب گفته که احتمالاً دیشب توی قدس تگرگ می‌باریده.

روزنامه آرمان با این تیتر امروز خودش رو آغاز کرده: «ناگفته‌های مرحوم از انتقال سفارت آمریکا به قدس»

در توضیح این تیتر آمده: یک بار که محافظ‌ها سنگگ آورده بودند، دیدم سنگگش خوب برشته نشده. از آن موقع به بعد گفتم دیگر از سنگگی بغل‌دست سفارت آمریکا سنگگ بخرند. مال آنها خوردن دارد...

روزنامه شرق هم با تیتر درشت و جالب: «من هم یک اسرائیلی کیفی هستم» به موضوع دیروز پرداخته و در ادامه مطلبش نوشته که در حادثه دیروز قدس چندین نظامی عیالوار اسرائیلی، مجروح و به بیمارستان منتقل شدند. شرق در ادامه گفته برای همدردی با خانواده‌های این نظامیان این تیتر رو انتخاب کرده.